



تصور سناریوی مثبت برای ترکیه در زودهنگام سخت است

به نظر می‌رسد در آینده نزدیک شخصیت‌های سیاسی دیگر مجبور خواهند شد جو سالم ترکیه را احیا کنند. در غیر این صورت اردوغان باید تصمیمی را که برای آن آماده نیست، اتخاذ کند. وی بایستی استانداردهای دوگانه را کنار بگذارد.

آران نیوز- یک کارشناس روسیه معتقد است اردوغان و حزب عدالت و توسعه او در باتلاق انتخابات زودهنگام دست و پا می‌زنند و دورنمای مثبتی برای آنان متصور نیست.

پیتر لوول کارشناس و تحلیلگر روس برای وب سایت ایران رو نوشت ممکن است نتایج این انتخابات زودهنگام برای اردوغان و حزبش از انتخابات پیشین سخت تر باشد و این بار حتی این حزب با کمک ائتلاف نیز نتواند دولت تشکیل دهد. پیتر لوولف در این مقاله می‌نویسد: قرار است روز 1 نوامبر در ترکیه انتخابات زودرس پارلمانی برگزار شود. حزب عدالت و توسعه تحت ریاست رجب طیب اردوغان که حزب حاکم ترکیه است، برای اولین بار اطمینان ندارد که بتواند حتی از راه تشکیل ائتلاف با احزاب دیگر روی کار بماند و دولت خود را تشکیل دهد. این امر چند علت دارد، از جمله شکست‌ها و ناکامی‌ها در همه محورهای سیاست خارجی و داخلی، انحطاط اوضاع امنیتی و رشد شدید تروریسم. مسأله کردی در این زمینه جایگاه خاصی دارد. مشکلات سیاسی قبل از هر چیز ناشی از بی‌ثباتی بر اثر دخالت در مناقشه سوریه و نقض توافقات صلح بین کردها و مقامات ترکیه است. این امر در حد زیادی با سیاست ترکیه ارتباط دارد که به بهانه مبارزه با داعش در عمل با کردها و سوری‌های طرفدار بشار اسد مقابله می‌کند. این کشور به سرعت به کانون تروریسم تبدیل می‌گردد. حملات تروریستی پر سر و صدا نزدیک است به پدیده عادی روزمره آنکارا و استانبول و شهرهای بزرگ دیگر و نیز قسمت جنوب شرقی کشور تبدیل شود. بدیهی است که اردوغان کنترل اوضاع را از دست می‌دهد.

امپراطوری عثمانی جدید؟

ادعاهای شخصی بیش از حد، لجاجت و اخلاق دشوار از جمله عواملی هستند که به رئیس‌جمهور ترکیه لطمه می‌زنند. به محض اینکه در جهان عرب انقلاب‌های رنگین شروع شد و رژیم‌های عربی یکی بعد از دیگری سقوط کردند، اردوغان تصمیم گرفت از این فرصت بهره گرفته و دوباره سلطه ترکیه بر خاور نزدیک و میانه را برقرار کند. او می‌خواست چیزی شبیه به امپراطوری عثمانی جدید را به وجود آورد که دولت‌های عربی در مقام ولایت‌ها عضو آن شوند. او که برای اجرای این طرح منابع مالی نداشت، عربستان سعودی و قطر را به تحقق بخشیدن این اندیشه جلب کرد تا هزینه‌های فعالیت نظامی و سیاسی آنکارا بپردازند. محور آنکارا - ریاض - دوحه در سطوح مختلف و از جمله در سطح هماهنگی فعالیت نظامی و اطلاعاتی، به وجود آمد. ولی ترکیه که از ارتش نیرومند و وزن سیاسی زیادی برخوردار است، برای اجرای برنامه‌های خود پول ندارد. در این شرایط خود ترکیه به خط سیاسی عربستان سعودی و قطر در جهان عرب و نسبت به ایران وابسته شده و از رفتار آنها در لیبی، یمن و به خصوص سوریه حمایت کرده است که مورد آخر برای ترکیه به ویژه خطرناک است. آنکارا زیر بار شعارهای ضد ایرانی پادشاهی‌های هم‌رفته است.

اردوغان بیش از پیش به شخصیت سیاسی اسلام‌گرای افراطی شباهت پیدا می‌کرد. او نتوانست امپراطوری عثمانی را ایجاد کند زیرا کشورهای بزرگ و بانفوذ منطقه نظیر ایران، عراق، مصر و اسرائیل با این اندیشه مخالفت ورزیدند. تنش با اسرائیل که روابط با آن در گذشته برای ترکیه مهم بود (دو کشور حتی رزمایش‌های مشترک انجام می‌دادند)، تا سطح خصومت آشکار و بی‌پرده شدت یافت. مداخله خشن در سوریه باعث ورود میلیون‌ها آواره به سرزمین جمهوری ترکیه شد و به بار سنگینی برای بودجه کشور تبدیل گردید. علاوه بر آن، آنکارا در آمادگی و مسلح کردن شبه‌نظامیان سازمان‌های تروریستی و اسلام‌گرا برای مقابله با بشار اسد شرکت کرد و به این منظور در خاک خود با پول سعودی و قطری اردوهای آموزشی ایجاد نمود. آنکارا به دفعات سعی کرد ایالات متحده را به ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز قسمت شمالی سوریه و ایجاد به اصطلاح کریدور انسان دوستانه در سرزمین سوریه در امتداد مرز با ترکیه با استقرار نیروهای ترکی در این منطقه برای دفاع از آن، متقاعد کند. ولی این اندیشه تا کنون عملی نشده است. واشنگتن نیک می‌فهمد که تنها هدف ترک‌ها از این کار، برقراری نظارت بر مناطق کردنشین سوریه و معالجه و آمادگی شبه‌نظامیان است و اینکه آنها به فکر مقابله با داعش نیستند.

یادآوری می‌شود که دو کشور سوریه و ترکیه قبل از «بهار عربی» از همکاری‌های دوجانبه در زمینه‌های مختلف درآمدهای عظیمی دریافت می‌کردند. ترکیه در چارچوب نظریه عثمانی جدید خود، سوریه را به منابع خود (نیروی برق، حامل‌های انرژی، محصولات کشاورزی و آب) وابسته می‌کرد و دمشق به مرکز تمام عیار بازرگانی و لجستیکی منطقه تبدیل می‌شد. اردوغان سعی کرده بود نسبت به لیبی که با آن پیوند‌های اقتصادی نیرومندی داشت، همین بازی را به عمل آورد. ولی ماجراجویی ترکیه علیه معمر قذافی به ترکیه سود برابر صفر داد. خط اردوغان در جهت جلب کردستان عراق به امپراطوری عثمانی جدید موجب تشدید روابط با عراق و کردستان عراق که هر دو همیشه شریک مهم آنکارا در زمینه انرژی و اقتصاد بودند، گردید. ترکیه در رابطه با ایران هر دو سه ماهی یک بار بی‌دلیل جنگ‌های گمرکی بر پا می‌کند و ایران را در صورت عدم کاهش مجدد قیمت گاز، با امتناع از خرید گاز ایرانی شانتاژ می‌کند.

ناگفته پیداست که شانس آنکارا تحت ریاست اردوغان برای پیوستن به عضویت اتحادیه اروپا برابر صفر است. این امر زمانی به

ویژه روشن شد که ترکیه در تابستان و پاییز سال جاری در چارچوب تبانی با عربستان سعودی، صدها هزار پناهنده سوری، عراقی، افغانی و پاکستانی را به اروپا راه داد. روابط با ایالات متحده هم صاف و هموار نیست. بنا بر این می توان گفت که ترکیه به امپراطوری جدید تبدیل نشده است.

مشکلات اقتصادی به عنوان برآیند اشتباهات سیاسی

اولاً، در میان مسایل اقتصادی ترکیه باید به ویژه به رکود اقتصادی اشاره کرد که بر اثر سقوط نرخ لیره ترکیه پدید آمد. نرخ تورم بالاتر از حد انتظار بوده و در ماه سپتامبر امسال به 8% رسید. اوضاع کشور بعد از انتخابات 7 ژوئن سال 2015 نمایندگان مجلس ترکیه شدت یافت زیرا حزب عدالت و توسعه برای اولین بار طی 13 سال اخیر اکثریت مطلق پارلمانی را از دست داد. بدیهی است که این امر بر اقتصاد کشور اثر گذاشت. همه تلاش ها در جهت تشکیل دولت ائتلافی شکست خورده و سرانجام یک دولت موقت تشکیل شد و قرار است روز 1 نوامبر انتخابات زودرس برگزار شود.

ثانیاً، روندهای بسیار منفی مهاجرت اوضاع تمام خاورمیانه به طور عام و ترکیه به طور خاص را به وخامت کشاند. هزینه های ترکیه بابت تأمین 2 میلیون پناهنده بالغ بر 8 میلیارد دلار شده است. از ماه آگست سیلاب آوارگان عرب به اروپا از طریق دریای مدیترانه سرازیر شد. راه آنها از ترکیه می گذرد و لذا اتحادیه اروپا می تواند از طریق توافق با ترکیه جلوی ورود گسترده اتباع سوریه به خاک خود را بگیرد و هزینه های چندین میلیارد یورویی پذیرش و اقامت آوارگان و نیز هزارها تن مصالح ساختمانی لازم برای ساخت حصار های ضد مهاجران را صرفه جویی کند. ولی ترکیه که از عربستان سعودی دنباله روی می کند، نمی خواهد با بروکسل به توافق برسد. با وجود اینکه اتحادیه اروپا به آنکارا وعده پرداخت 3 میلیارد دلار را داد، جریان آوارگان کاهش نمی یابد. اردوغان همزمان به چنگ خانم مرکل و به تله وعده عضویت در اتحادیه اروپا افتاده است.

ثالثاً، سیاست غیر موجه اردوغان نسبت به روسیه یعنی فسخ توافقات درباره چهار شاخه خط لوله جریان ترکی و کاهش حضور روسیه در بخش گردشگری ترکیه، در افت اقتصادی این کشور نقش بسزایی ایفا کرده است. تا مدتی پیش به نظر می آمد که جایگزینی طرح جریان جنوبی با جریان ترکی باعث انعقاد پیمان مهم راهبردی روسیه - ترکیه خواهد شد و اینکه ترکیه می تواند به مهمترین مرکز توزیع انرژی خاورمیانه برای اروپای جنوبی تبدیل شود. ولی این آرزوی اردوغان برآورده نشده است. طرف روس به جای چهار شاخه خط لوله گاز با ظرفیت جمعی 63 میلیارد متر مکعب گاز در سال مایل است به یک شاخه با ظرفیت 15.75 میلیارد متر مکعب در سال بسنده کند.

بعد از آن اعلام شد که آنکارا به طور کلی از خرید گاز روسی امتناع خواهد کرد که تنها علت این موضع گیری، ورود جنگنده های روسی به حریم هوایی ترکیه برای مدت چند ثانیه به هنگام فرود در پایگاه حمیمیم در نزدیکی لاذقیه بود. مگر این واکنش به یک رویداد اینقدر کوچک درست بود؟ (باید به ترکیه گفت: پیاده شو با هم بریم! هواپیما های این کشور تقریباً هر روز به حریم هوایی سوریه و عراق تجاوز کرده و به مواضع کردها ضربات وارد می کنند ولی غرب و ناتو به این حوادث توجه نمی کنند). ترکیه در حال حاضر عمدتاً از سه کشور روسیه، ایران و آذربایجان گاز دریافت می کند. حدود 60% گاز طبیعی مورد مصرف ترکیه از روسیه واصل می گردد. تنها این رقم نشان می دهد که برای آن امتناع از گاز روسی کار دشواری خواهد بود. گاز طبیعی نه تنها در بخش مسکن و دیگ های آب گرم بلکه در حد زیادی برای تولید نیروی برق به کار گرفته می شود. شاید بتوان گاز طبیعی میلیون ها خانوار ترکی را با گاز LNG عوض کرد ولی انجام این کار در زمینه تولید نیروی برق دشوار است. حدود نیمی از نیروی برق ترکیه با استفاده از گاز طبیعی و حد اقل 25% آن از طریق مصرف گاز روسی تولید می شود. درست است که ترکیه با استفاده از آب و ذغال سنگ هم نیروی برق تولید می کند ولی نمی توان از این طریق تقاضای جمعی را تأمین کرد. مصرف گاز برای تولید نیرو اجتناب ناپذیر است.

در مورد درآمدهای ترکیه از محل ورود گردشگران روس باید گفت که به گفته کارشناسان، بخش گردشگری ترکیه طی شش ماه اول سال 2015 نیم میلیون گردشگر روس را از دست داد که منعکس کننده کاهش 25 درصدی سفرهای آنها نسبت به سال قبل است. شهروندان روسیه در شرایط اظهارات غیر دوستانه رهبران ترکیه ترجیح می دهند در سوچی و کریمه استراحت کنند. آنها بی ثباتی سیاسی ترکیه و بروز خطرات تروریستی در این کشور را نیز در نظر می گیرند. در مجموع، بخش گردشگری ترکیه نسبت به سال قبل حدود 14% درآمدهای خود را از دست داده است.

آنکارا با بهره گیری از سیاست جایگزینی واردات مسکو، صادرات محصولات کشاورزی خود به روسیه را به طور قابل توجهی افزایش داده و جای صادر کنندگان اروپایی را گرفته است. ولی روسیه نیز می تواند به جای محصولات ترکی، کالاهای مشابه یا حتی مرغوب تر ایرانی را دریافت کند که در زمینه سبزیجات و میوه ها می تواند جای ترکیه را بگیرد. ولی اتحادیه اروپا که با فروش محصولات کشاورزی خود مشکلات دارد، محصولات ترکی را نخواهد خرید.

مسایل با اقلیت های قومی

سیاست اردوغان نسبت به کرد ها و سایر اقلیت های قومی هرگز پیگیرانه نبوده ولی الآن شامل حال کردهای کشورهای همسایه عراق و سوریه هم شده است. روشن است که کرد های داخلی و به خصوص حزب کارگر کردستان، دشمن اساسی آنکارا محسوب می شوند. مسعود بارزانی رهبر کردستان عراق سعی می کند جلوی فعالیت این حزب در قسمت شمالی عراق را بگیرد ولی این کار دشوار است چرا که شبه نظامیان این حزب در امتداد مرز عراق با ترکیه اردوگاه های خود را ایجاد کرده اند. نیروی هوایی ترکیه به آنها ضرباتی وارد می کند که اغلب کردهای عراقی غیرنظامی قربانی آن می شوند. حزب کارگر کردستان از علاقه و حمایت کردهای عراق و سوریه هم برخوردار است. نیروی هوایی ترکیه در سوریه اکثراً نه داعش بلکه دسته های مسلح کردی را که با تروریست ها می جنگند، بمباران می کند. بنا بر این، اردوغان در هر دو مورد با شدت و خشونت رفتار می کند که این

رفتار وی تنفر کردها از خود اردوغان و از تمام ترکیه را تحریک می کند.

مسئله کردی هنوز حل نشده است ولی هم اکنون مسئله ترک های قبرس که اقلیت قومی دیگری است، نضج می گیرد. مصطفی آکینچی رئیس قبرس شمالی جدیداً به روزنامه Today Zaman گفت که قبرس می تواند ظرف چند ماه آینده متحد شود. تجزیه قبرس از سال 1974 ادامه دارد و ترک های قبرس در صدد هستند در صورت ادامه مذاکرات یا یونانیان با سرعت فعلی، دو قسمت ترک نشین و یونانی نشین را متحد کنند. قبرس شمالی هم اکنون موجبات گذر از لیره ترکی به یورو را شروع کرده است. اگر آنکارا جلوی روند تجدید اتحاد قبرس را بگیرد، یونان و قبرس تا قبل از روشن شدن تکلیف این کشور تجزیه شده، جلوی هر امکان پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا را خواهند گرفت.

تناسب نیروها و چشم انداز

اوضاع ترکیه در آستانه انتخابات ساعت به ساعت داغ تر می شود. همه نظرسنجی ها از عدم کارآیی راهبرد طراحان فناوری های سیاسی اردوغان حکایت دارند. مردم از رأی دادن به حزب کردی خودداری نمی کنند در حالی که حزب عدالت و توسعه می تواند تا 5% آرا را از دست بدهد. مردم ترکیه بر حق این حزب و خود اردوغان را مقصر ناآرامی هایی می دانند که شروع آن با از دست دادن اکثریت پارلمانی توسط این حزب مصادف شد. اردوغان و حزب وی به باتلاق انتخاباتی افتاده اند که هر حرکت آنها باعث روگردان شدن بیشتر رأی دهندگانی می شود که پیروان متعصب حزب عدالت و توسعه نیستند (چنین افرادی حد اکثر نیمی از رأی دهندگان این حزب در انتخابات 7 ژوئن را تشکیل دادند).

به نظر می آید که مقامات رسمی ترکیه گزینه ناسنجیده تحریک فاجعه را آخرین فرصت خود می دانند. اوضاع منطقه جنوب شرقی کشور تا انتخابات شدت بیشتری یافته و ممکن است شبه نظامیان تروریست رنگارنگ تحت ضربات نیروی هوافضایی روسیه و ارتش سوریه از سوریه به سرزمین ترکیه فرار کرده و آنجا به حملات تروریستی و تحریک ناآرامی ها دست بزنند. ده ها هزار نفر از اشرار مسلح می توانند این کار را بکنند. مقامات رسمی ترکیه در این شرایط «مجبور» خواهند شد حالت فوق العاده اعلام کنند. در مناطقی که به حزب کردی رأی می دهند، زیر نظر شدید پلیس و ژاندارمری نتیجه «درست» انتخابات تأمین خواهد شد. سرانجام، حزب دمکرات اقوام از سد 10 درصدی عبور نکرده و حزب عدالت و توسعه صاحب بیش از 275 رأی خواهد شد. آنگاه اردوغان می تواند به حکومت یک نفری خود ادامه دهد. مهمتر از همه این است که در این شرایط کسی جرأت نمی کند به تحقیقات در فساد مالی خانواده و اطرافیان نزدیک وی ادامه دهد. احتمال می رود که قانون اساسی اصلاح شده و حکومت ریاست جمهوری اعمال شود. ولی در این صورت کار این صدام جدید زار می شود. از حالا روشن است که طراحان فناوری های سیاسی اردوغان اشتباه پشت اشتباه مرتکب می شوند و کشور خود را به لبه پرتگاه می کشانند زیرا سعی می کنند از دولت لایبیک در حال توسعه سریع یک دیکتاتوری خاور میانه ای دوران جنگ سرد با رنگ اسلامی را ایجاد نمایند. خود ترکیه اجازه این کار را نخواهد داد. 60 درصد مردم رسماً علیه حزب حاکم رأی می دهند در حالی که بیش از 70% شهروندان ترکیه در نظرسنجی ها مخالفت خود را با حکومت ریاست جمهوری ابراز می کنند. اوضاع اقتصادی هم درخشان نیست که این امر بر نتایج انتخابات اثر زیادی می گذارد. علاوه بر آن، ترک ها ملت فعال سیاسی هستند که وادار کردن آنها به انجام کاری که با اراده و خواست آنها سازگار نباشد، مسئله فوق العاده دشواری می باشد. تشدید اوضاع می تواند عواقب اسفناک نظیر ناآرامی های دامنه دار در سراسر کشور و یک کودتای نظامی جدید را به دنبال داشته باشد.

مشکل بتوان سناریوی مثبت آینده نزدیک ترکیه را تصور کرد که حد اقل تا اندازه معینی با روحیات دور از واقعیت هیئت حاکمه فعلی سازگار باشد. به نظر می آید که در آینده نزدیک شخصیت های سیاسی دیگر مجبور خواهند شد جو سالم کشور را احیا کنند و در غیر این صورت اردوغان باید تصمیمی را که برای آن آماده نیست، اتخاذ کند. وی قبل از همه باید در سیاست خود نسبت به سوریه بازنگری کرده و استانداردهای دوگانه را کنار بگذارد. اگر بخواهد با تروریسم مبارزه کند، باید با داعش مقابله نماید. اگر نیروهای هرچه بیشتری به عملیات ضد تروریستی در سوریه جلب شوند، ریشه کنی داعش سریع تر بوده و مهاجران کمتری به ترکیه فرار خواهند کرد که در این صورت اوضاع اقتصادی هم بهبود خواهد یافت. ترکیه می تواند با ترک ائتلاف ضد سوری با شرکت عربستان سعودی و قطر، مذاکرات با روسیه درباره ساخت چهار شاخه خط لوله گاز و دو شاخه خط لوله به آسیای صغیر را از سر گیرد که در این صورت می تواند به هدف اعلام شده خود یعنی تبدیل شدن به مرکز توزیع گاز خاور میانه دست یابد. تردیدی نیست که این تصمیمات بر اوضاع اقتصادی منطقه اثر مثبتی خواهد گذاشت. ترکیه در غیر این صورت می تواند شریک راهبردی خود را از دست بدهد. آنکارا همچنین باید مسئله اقلیت های قومی خود را حل کند. ولی ترکیه در حال حاضر نه برای واگذاری خودمختاری به کردها آمادگی دارد و نه برای اعاده قبرس شمالی به قبرسی ها. ترکیه در زمینه مسئله کردی باید بفهمد که مبارزه با داعش به معنی مبارزه با حزب کارگر کردستان نیست. تنها در صورت تأمین حقوق برابر کردها، حفظ کرسی های آنها در مجلس و تأمین شرکت کردها در زندگی سیاسی ترکیه، می توان با آنها مذاکرات صلح انجام داد.

منبع: خبر آنلاین